

موضوع: شخصیت شناسی سلمان فارسی (قسمت دوم) با محوریت بررسی شبهات پیرامون سلمان فارسی و نوشتن قرآن
ارائه شده توسط استاد مختار ثقفی
ارائه شده در کانال رسمی استاد مختار ثقفی و بصورت همزمان در بسیاری از ابرگروههای شیعی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

«بسم الله الرحمن الرحيم»

عرض سلام وادب واحترام خدمت همه شما اساتید معظم و اعضای مکرم ابرگروههای شیعی همکار ومدیران محترم کانال مختار ثقفی، سعادت می شد که یک امشب هم باموضوع بررسی شبهات درباره شخصیت سلمان فارسی در خدمت شما عزیزان باشم.
در کنفرانس قبل پیرامون بررسی شبهات پیرامون شخصیت جناب سلمان فارسی به بررسی فتح تیسفون و خدمات جناب سلمان به مردم ایران زمین پرداختیم که بعد از فرار یزدگرد سوم از تیسفون وشکست رستم فرخزاد از سعدبن ابی وقاع فرمانده سپاه اعراب مسلمان عده ی زیادی از سربازان ساسانی داخل کاخها برای محافظت از خزانه های باقیمانده مانده بودند.
بدستور سعدبن ابی وقاص جناب سلمان برای راضی کردن سربازان ساسانی به نزدیک کاخ رفت وبا راضی کردن سربازان برای تسلیم شدن جلو کشتار این تعداد را گرفت .
در مقابل هم قرار شد که این سربازان یا مسلمان بشوند یا در دین خودشان بمانند ولی به دولت اسلامی جزیه بپردازند .ویا راه سوم که جنگ بود. یکی را قبول کنند .
واین سربازان که نه پادشاهی برایشان مانده بود و نه فرماندهی. برای اینکه کشته نشوند و در عین حال در انتخاب دین خودشان آزاد باشند راه دوم را انتخاب کردند. یعنی در انتخاب دین خودشان آزاد باشند ولی به دولت اسلامی جزیه پرداخت کنند .



خود این سربازان و مردم هم راضی به این کار بودند از اینکه توسط جناب سلمان فارسی از کشته شدن در امان مانده بودند رضایت کامل داشتند.

سند این رضایت مردم تیسفون از جناب سلمان هم به سال های بعد میباشد که بدستور عمر بن خطاب جناب سلمان حاکم تیسفون (مداین) گردید و از سال 19 هجری تا سال 35 هجری به مدت 15 سال والی و حاکم کوشک سفید مداین گردید.

که در کمال آرامش و امنیت به امور حکومتی مشغول بود و مطلقاً نه در کوشک سفید اقامت داشت و نه با بادیگارد و محافظ تردد مینمود. بلکه در بین مردم زندگی میکرد و در بازار مدائن خود به حصیر بافی و حصیر فروشی مشغول بود. و از بیت المال استفاده نمیکرد بلکه از راه درآمد فروش حصیر امرار معاش میکرد. و در این مدت 15 سال امارت مداین مطلقاً نه کسی به سلمان تعرض کرد و نه او را ترور کرد.

اگر سلمان فارسی یک خائن به مملکت و خاک خودش بود چرا مردم ایرانی مداین او را چنین احترامی میگذاشتند؟؟

اگر سلمان فارسی یک خائن به وطن بود چرا در بین مردم زندگی معمولی داشت؟؟

اگر سلمان خائن به وطن بود چرا بدون نگهبان و محافظ در بین مردم تردد میکرد؟؟

اگر سلمان فارسی یک خائن به کشور و خاک خودش بود چرا در زمان فوتش مردم مداین همه جا را سیاه پوش کردند و گاه بر سر خود ریختند؟؟

همه این چراهای بی جواب نشانه رضایت مردم ایران زمین مداین از شخصیت عظمای جناب سلمان فارسی بود .

همه این چراهای بزرگ با علامت سؤال؟؟ را همانهایی باید جواب بدهند که بجای اینکه به تحلیل درست اوضاع ساسانیان و نارضایتی مردم از پادشاهان ساسانی و موبدان زرتشتی بپردازند دنبال جو سازی و تحریک اذهان و عواطف جوانان و نوجوانان ایرانی هستند.

جوانان و نوجوانان عزیز ایرانی هوشیار باشید که مطلقاً این افراد نه بفکر شما هستند و نه بفکر وطن خودشان هستند. بلکه هدفشان ایجاد یک حس انتقامجویی تقلبی نسبت به 1400 سال پیش میباشد .

مراقب باشیم که در زمین دشمن ملت و میهن بازی نکنیم.

این افراد اگر دلشان به حال ایران زمین میسوزد چرا به تحلیل درست اوضاع آخرین سالهای پادشاهی ساسانیان نمی پردازند؟؟

چرا به بررسی دخالتهای موبدان زرتشتی در امور دولت و مردم نمیپردازند؟؟

چرا به آنالیز درست علل نارضایتی مردم از پادشاهان ساسانی نمیپردازند؟؟

چرا اینها به بررسی اوضاع کشتار مردم ایران زمین توسط پادشاهان ساسانی مثل انوشیروان عادل نمیپردازند که بخاطر دست کشیدن از دین زرتشتی و گرایش به مسیحیت نمیپردازند؟؟

چرا به بررسی کودتاهای موبدان زرتشتی علیه پادشاهان ساسانی نمیپردازند؟؟

چرا به بررسی کور کردن هرمز چهارم و تبعید و کشتن او توسط موبدان زرتشتی نمیپردازند؟؟

چرا از انواع شکنجه ها و جنایات پادشاهان ساسانی هیچکس حرفی نمیزند؟؟

آیا تابحال شکنجه (نه مرگ) را شنیده اید؟؟

آیا خبردارید که بدستور پادشاهان ساسانی مردم را با 9 روش بسیار سخت شکنجه میدادند و در نهایت میکشتند؟؟

آیا از قحط الرجال در آن دوران هم کسی حرفی زده؟؟

آیا نگفته اند که در بین خاندانهای ساسانی هیچ مردی بهمدیگرا اعتماد نداشتند تا جاییکه بجای مردان ساسانی زنان ساسانی (پوراندهخت) پادشاه ساسانی میشود؟؟

آیا تابحال شنیده اید که قبل از یزدگرد سوم آزرمی دخت یکی دیگر از زنان دربار ساسانی به حکومت میرسد ولی حاکم خراسان بنام (فرخ هرمز) پدر رستم فرخزاد به او پیشنهاد ازدواج میدهد. ولی او مخفیانه هرمز فرخزاد را میکشد و رستم برای انتقام پدرش آزرمی دخت را میکشد و یزدگرد، سوم را به پادشاهی میرساند.

دوستان عزیز و جوانان و نوجوانان هموطنم فریب مظلوم نمایی عده ای دشمن رانخوریم که در لباس مدعیان وطن دوستی به ترویج فرهنگ (پان آریایی) میپردازند.

حواسمان باشد که که آب به آسیاب دشمن نریزیم.

آیا تابحال شنیده اید که قبل از یزدگرد سوم آزرمی دخت یکی دیگر از زنان دربار ساسانی به حکومت میرسد ولی حاکم خراسان بنام (فرخ هرمز) پدر رستم فرخزاد به او پیشنهاد ازدواج میدهد. ولی او مخفیانه هرمز فرخزاد را میکشد. و رستم برای انتقام پدرش آزرمی دخت را میکشد و یزدگرد، سوم را به پادشاهی میرساند.

اما به بررسی موضوع امشب یعنی سلمان فارسی و نقش او در کتابت قرآن بپردازیم.

دوستان عزیز تا سال 13 هجری که پیامبر در مکه بودند 86 سوره بر پیامبر نازل شده بود. از مجموع 114 سوره قرآن که به سوره های مکی معروف هستند . 28 سوره باقیمانده بنام سوره های مدنی مشهور هستند .

- یک فرق اساسی بین سوره های مکی و مدنی میباشد .

و آن لحن نزول این سوره ها بود .

سوره های مکی بیشتر درباره احکام و کیفیت آداب اسلام و مسلمانی میباشد .

اما سوره های مدنی بیشتر در مورد جنگ و مقابله با کفار و دشمنان میباشد .

❖ حال یک تحلیل کوچک درباره این مساله

سوره های مکی زمانی نازل شده اند که اسلام یک حکومت متمرکز نداشت. و پیامبر هم هیچ تدبیری برای مقابله جنگی با کفار و دشمنان نداشت .

اما بعد از هجرت به مدینه روش الهی پیامبر تغییر کرد. دیگر دارای یک دولت متمرکز اسلامی شده بودند و شرایط مقابله جنگی با کفار را داشتند .

و چون طبق آیات الهی پیامبر (لا ینطق عن الهوی الا وحی یوحی) بودند یعنی بدون اجازه الهی کاری نمیکردند .

و در مدینه هم دستور الهی برای مقابله با کفار و مشرکان با قاطعیت بر پیامبر نازل گردید . بدین خاطر محتوای سوره های مکی ومدنی باهم متفاوت هستند.

اما گفتیم که جناب سلمان در سال 14 بعثت یعنی سال 1 هجری در مدینه مسلمان گردید و در حضور پیامبر اسلام به اسلام گروید. پیامبر هم اسم او را از روزه ایرانی به سلمان فارسی تغییر داد . سلمان فارسی به گفته ی تمام مورخین شیعی و سنی و ایرانی و خارجی و اروپایی یکی از معدود افرادی بود که به (معمربین=طول عمر زیادکنندگان) معروف است .

حداقل عمر سلمان را 250 سال گفته اند. و 350 سال 470 سال و 570 سال هم گفته اند. در اینکه سلمان عمر درازی داشت شکی نیست.

اگر کمترین سن را برای جناب سلمان یعنی 250 سال را در نظر بگیریم و زمان فوت ایشان را که همان سال 35 هجری میباشد را باهم جمع و تفریق کنیم به عدد، جالبی می‌رسیم.

سلمان در سال 14 مسلمان شده و در سال 35 فوت نموده است. یعنی مدت 21 سال از آخرین سالهای عمرش را در اسلام گذرانیده بود .

پس عمر سلمان در سال اول هجری که مسلمان شد 229 سال بود. یعنی سلمان 229 ساله بوده که به اسلام پیوسته است .

طبق گفته ی همین تواریخ سلمان (روزبه) در جوانی از ایران بطرف شامات مسافرت کرد و دیگر به وطن خود برنگشت.

اگر سن جوانی سلمان را بهنگام مسافرت به شامات حدود 40 سال هم در نظر بگیریم حدود 189 سال سلمان بدور از کشور و وطن خود زیسته است. آنهم در مناطقی مثل موصل عراق و شامات و فلسطین و حتی روم و بیزانس که برای تحقیق درباره ادیان الهی و متفرقه بود.

یعنی سلمان مدت 189 سال از کشور و وطن خودش دور بود. حال این دشمنان انسانیت باچه طرزفکری میگویند که سلمان یک خائن به وطن خود بوده. در حالیکه شاهدیم سلمان حدود 189 سال در وطن خودش نبود .

تازه این پایین ترین عدد عمری برای سلمان هست. که اگر سن بالای ایشان یعنی 570 سال را هم در نظر بگیریم که قطعاً تولد و جوانی سلمان در دوره اشکانیان بوده در دوره اشکانیان هم از وطن خودش به شامات رفته است .

پس اساساً تهمت بستن به سلمان از حیث خیانت به وطن از نظر عقلایی و منطقی هم جایز نیست چون اصلاً سلمان بیشتر عمر خود را خارج از وطن خود زیسته است.

اعراب کفار و مشرکان مکه از هراهی برای توقف اسلام و سرکوب پیامبر استفاده میکردند.

- از وعده و تطمیع پیامبر تا تهدید پیامبر.
- از شکنجه و آزار مسلمانان اولیه
- نسبت دادن القاب العیاذ بالله مثل (دیوانه بودن پیامبر، ساحر و جادوگر بودن پیامبر، شاعر بودن پیامبر و...)

مشرکان و کفار وقتی تمام نقشه های خودشان را بی اثر دیدند برای آنکه دوباره شبهه جدیدی به پیامبر نسبت بدهند. شایع کردند که پیامبر قرآن را از طرف خدا نیاورده است. بلکه او را شخصی دیگر به پیامبر یاد میداد که اصلاً آن شخص عرب نبود.

در تاریخ برای آن شخص اسامی متعددی ذکر شده است (سلمان فارسی، بلعام رومی، یشاع، یسار حصرمی، عداس رومی، بحیرای راهب) این اسامی همانهایی هستند که به گفته مشرکان قرآن را بر پیامبر یاد میدادند.

در همین رابطه آیه 103 سوره نحل نازل گردید که ذیلاً به بررسی این میپردازیم .

خدا در این آیه میفرماید (والبته میدانیم که آنها میگویند جز این نیست که این (قرآن) را بشری (برخی از علمای یهود و نصاری و فارسیان) به او (محمد) می آموزد، لکن چنین نیست، زبان کسی که به انحراف به او نسبت میدهند غیر عربی است و این (قرآن) به زبان عربی فصیح و روشن نازل شده است.

❖ شأن نزول آیه

در شأن نزول این آیه از ابن عباس نقل شده است که قریش میگفتند بلعام که آهنگری رومی مسیحی در مکه بود او را تعلیم میداد و در ادامه گفته اند که بلعام رومی همان سلمان فارسی میباشد.

❖ برای این سه نقد داریم :

✓ نقد اول: قرآن در جواب این شبهه میفرماید: زبان کسی که میگویند پیامبر از او چیز می آموزد عربی فصیح نیست. در اینجا نمیگوید (عجمی) زیرا این کلمه منسوب به عجم است و عجم هم یعنی غیر عرب. اما (اعجمی) منسوب به اعجم است. و او کسی است که زبان فصیح ندارد خواه عربی باشد خواه عجمی. یعنی زبان کسی که گمان میکنند که به تو قرآن می آموزد غیر فصیح است. و به عربی سخن نمیگوید. چگونه پیامبر قرآن را که عالیتترین و شیواترین سخن است از او می آموزد؟؟ مگر میشود آن شخص خود زبان فصیحی نداشته باشد و از قواعد زبان عربی با خبر نباشد ولی در بالاترین قواعد عربی مطالبی به پیامبر بیاموزد. و هذا لسان عربی مبین: این قرآن به زبان عربی فصیح و آشکار است و هیچ تردیدی در آن نیست. هرگاه عرب از آوردن مثل قرآن عاجز باشند. در حالیکه قرآن به زبان آنهاست. چگونه کسی که زبانش فصیح نیست ولی میتواند نظیر آنرا بیاورد و به پیامبر تعلیم بدهد؟؟

✓ نقد دوم:

سلمان فارسی در مدینه مسلمان شده است. و وقتی به زیارت پیامبر رفت که بیشتر قرآن حدود 86 سوره در پیامبر نازل شده است چون بیشتر قرآن مکی است .
چطور بوده که سلمان قرآن را به پیامبر یاد بدهد ولی از گزند و آسیب مشرکان در امان باشد؟؟
مشرکان که حتی نقشه کشتن پیامبر را میگیرند .

چطور برای کشتن بلعام رومی یا سلمان فارسی یا هر شخص دیگری هیچ اقدامی نکردند؟؟
که اگر این شخص را میکشتمند کار خذف پیامبر راحتتر میشد چون دیگر معلم خود را از دست داده بود . کمی عقل و تدبیر راهکار خوبی برای درآمدن از تقلید کورکورانه است.
✓ نقد سوم:

چنان که خودشان میگویند سلمان به تورات وانجیل و کتاب ارژنگ مانی آگاه بوده است و آن تورات وانجیل امروز هم در دسترس هستند، اگر با قرآن مقایسه شود روشن خواهد شد که تاریخ غیر تاریخ این کتابها و داستانهایش غیر از آنهاست. در تورات وانجیل لغزشها و خطاهایی به انبیاء نسبت داده که فطرت هر انسان معقولی متنفر از آن است، که چنین نسبتی را حتی به یک کشیش و حتی به یک مرد صالح متعارف بدهد و احدی این گونه جسارتها را به یکی از عقلای قوم خود نمیدهد . ضمن اینکه این کتب تورات وانجیل تحریف شده است. ولی قرآن مطلقاً تحریف پذیر نیست . مگر گفته های یک انسان هر چند عاقل مبرا از تحریف میشود .

← پس این شبهه با این تفاسیر کاملاً مردود، میباشد →

پیامبر اسلام مشاوران دیگری هم داشت مثل صهیب رومی و یا بلال حبشی . چطور این دشمنان چنین تهمتی برای این اصحاب وارد نکرده اند؟؟ در حالیکه صهیب رومی هم از مردان باسواد و دارای شأن و مقام خاصی در روم بود که بعدها مسلمان گردید.

نتیجه ای که میتوان گرفت اینست دشمنان ملت ایران برای اینکه ضعف پادشاهان ساسانی را سرپوش بگذارند و برای اینکه جنایات پادشاهان ساسانی و دخالتهای موبدان زرتشتی و سپاهیان و تجاوز آنها حتی به زنان و دختران خود ایران زمین را کتمان کنند دست به اهانت کردن و تهمت زدن میکنند.

که امیدوارم در شبههای آینده از علل شکست ساسانیان از اعراب مسلمان و همچنین دلایل کمک نکردن مردم به پادشاهان ساسانی و همچنین انواع شکنجه های دوران ساسانی مثل (نه مرگ) بپردازیم تا اذهان جوانان و نوجوانان هموطنم شکوفاتر بشود.

دوستان عزیز و اساتید بزرگوار مبحث امشب هم در اینجا به اتمام رسید امیدوارم که دوستان با انصاف باتدبیر و تعقل مطالعه نمایند . و ندانسته آلت دست دشمنان در لباس ملت نباشند .
از صبر و حوصله شما عزیزان ممنونم و متشکر . هر سوالی و یا انتقادی باشه با جان دل شنوا هستم و پاسخگو . شبستان بخیر یا حق!



کانال: <https://telegram.me/mokhtarconferences> بیکی کانال